

نوسازی پهلوی دوم به مثابه یک برنامه سنت ستیز و ضد مذهب

۶ خرداد ۱۴۰۱ ساعت ۱۶:۰۵

نابهنجاری اجتماعی، بی‌ریشگی فرهنگی و اجتماعی، از خودبیگانگی فردی و اجتماعی، مقاومت‌های گوناگون فرهنگی از جمله تبعات سیاست سنت ستیز پهلوی دوم در جامعه ایران بود.

در ادبیات سیاسی محمدرضا پهلوی، نوسازی در مقابل سنت‌گرایی تعریف و تحدید شده بود. اما سنت ستیزی شاه در پوسته سیاست نوسازی، همانند شمشیر دولبه سبب تشدید مخاصمات اجتماعی و به تأخیر افتادن توسعه سیاسی در ایران شد. در این فرآیند، مغایرت و عدم سازگاری سیاست نوسازی با محیط ارزشی جامعه سبب تولد نوزاد «ناقص الخلقه نوسازی» شد و در نهایت با تضعیف مشروعیت و مقبولیت مردمی، مقدمات فروپاشی سیاسی رژیم را فراهم نمود. نابهنجاری اجتماعی، بی‌ریشگی فرهنگی و اجتماعی، از خودبیگانگی فردی و اجتماعی، مقاومت‌های گوناگون فرهنگی از جمله تبعات سیاست سنت ستیز پهلوی دوم در جامعه ایران بود. همه این موارد سبب مقاومت شدید طبقه سنتی جامعه در مقابل حکومت پهلوی شد و در نهایت، تحقیر فرهنگ بومی و ترویج شدید ابعاد ظاهری فرهنگ غربی، شکاف بین مردم و حکومت را افزایش داد. در کنار این موضوع، سیاست آموزشی تحول خواه و غربی شاه نیز، سبب ظهور و بروز طبقه متوسط جدیدی مشتمل بر بوروکرات‌های تحصیل کرده، هنرمندان و نویسندگان در ایران شده بود که به دلیل پایه های نظری آموزشهای خود، خواهان توسعه سیاسی و مشارکت در ساختارهای سیاسی و اقتصادی بودند. ولی به دلیل ماهیت تمرکزگرای قدرت سیاسی، این مطالبات طبقه متوسط جدید با مخالف جدی حکومت روبرو شد و رفته رفته روابط اجتماعی طبقات مختلف با سلطنت، ماهیت غیردمکراتیک تری پیدا نمود. هرچه سرعت برنامه های نوسازی شتاب بیشتری می گرفت، به همان اندازه قدرت سیاسی چهره مستبدتری به خود می گرفت و با تشدید سیاست سرکوب‌گرایانه، رژیم پایگاه طبقاتی و اجتماعی خود را در بین توده مردم از دست می داد.

منبع: محمدرحیم عیوضی، طبقه متوسط جدید و نوسازی اقتصادی اجتماعی در ایران، مجله مطالعات راهبردی، پاییز ۱۳۷۷، شماره ۱، ص ۱۵۶

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۴۸۷۴۵/مذهبی-ضد-سنتی-برنامه-یک-مثابه-دوم-پهلوی-نوسازی/>